

مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۳ - شماره ۲۷ - بهار ۱۴۰۱

صفحات ۷ - ۳۰ (علمی - پژوهشی)

## طبقه‌بندی و رده‌شناسی «تکرار بلاغی» و انواع آن در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی با رویکرد تطبیقی

میشم ابراهیمی\* / مهیار علوی مقدم\*\* / محمد داودی\*\*\*

### چکیده

تکرار بلاغی، مبحثی در قلمرو علم بدیع است که سبب برجسته‌سازی معنا در سخن و ایجاد موسیقی در کلام می‌شود. این مقاله به بررسی هم‌سنج و طبقه‌بندی و رده‌شناسی تکرار بلاغی و انواع آن در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی پرداخته، به روش کتابخانه‌ای و براساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی انجام شده است. بدنه اصلی این پژوهش را طبقه‌بندی و رده‌شناسی انواع تکرار بلاغی در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی تشکیل می‌دهد و این نتیجه حاصل شده است که صنعت تکرار در این دو زبان در تعریف، مشابه یکدیگرند و گونه‌هایی از تکرار در قلمرو این دو زبان را می‌توان معادل یکدیگر قرار داد. همچنین برخی از مصادیق تکرار، باعث ایجاد قالب‌های شعری در هر دو دیدگاه می‌شود؛ اما از وجوه تمایز آن‌ها باید به توجه منظم و دقیق این مبحث در بلاغت فارسی و آشفستگی آن در بلاغت انگلیسی، متأثر بودن بلاغت فارسی از بلاغت عربی و نمود رگه‌هایی از بلاغت ارسطویی یا یونانی در زبان انگلیسی و وجود گونه‌هایی از جمله تکرار الصدرة در بلاغت انگلیسی و عدم اشاره به آن در بلاغت فارسی اشاره کرد.

**کلیدواژه:** طبقه‌بندی، بررسی تطبیقی، تکرار، بلاغت فارسی و انگلیسی.

---

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

\*\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول) m.alavi.m@hsu.ac.ir

\*\*\* دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۱/۰۲ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۱/۰۷

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

دانش‌های بلاغی سه علم معانی، بیان و بدیع را دربرمی‌گیرد که در ابتدا شاخه‌ای واحد را تحت عنوان بلاغت تشکیل می‌دادند تا جایی که در نخستین کتاب‌های بلاغت، صناعات ادبی از یکدیگر جدا نشده‌اند؛ اما به تدریج و از سده پنجم با ظهور عبدالقاهر جرجانی (۳۸۸-۴۵۷ ش) نویسنده کتاب‌های مشهور *دلایل الاعجاز* (در علم معانی) و *اسرار البلاغه* (در علم بیان)، تحولی بزرگ در علوم بلاغی به وجود آمد، به طوری که او را مبتکر علم معانی و بیان می‌دانند (رک: فرشیدورد، ۱۳۷۳: ۱۲۴/۱، پاورقی). پس از جرجانی، سراج‌الدین سکاکی (۵۵۵-۶۲۶ ق) در *مفتاح العلوم*، تحقیقات دقیقی در این فن انجام داد و بعدها متأخرین از کتاب او خلاصه‌هایی ترتیب دادند، از جمله کتاب *المصباح* از ابن مالک (۷۰۰-۶۷۲ ق) و همچنین دو کتاب *الایضاح* و *تلخیص المفتاح* از خطیب قزوینی (۶۶۶-۷۳۹ ق). سپس سعدالدین تفتازانی (۷۲۲-۷۹۲ ق) آن را شرح کرد و شرح *مطول* نامید که این همان کتاب مشهور درسی در معانی، بیان و بدیع عربی است. سده‌های هفتم و هشتم قمری را باید دوران تفکیک علوم بلاغی و طبقه‌بندی صنایع بدیعی در زبان عربی دانست. این علوم که مجموعاً دانش‌های زیباشناختی<sup>۱</sup> نام گرفته‌اند، سخن را به مقتضای حال و مقال می‌سنجند و می‌کاوند. از میان علوم بلاغی، «بدیع»، مجموعه شگردهایی (یا بحث از فنونی) است که کلام عادی را کم‌وبیش تبدیل به کلام ادبی می‌کند یا کلام ادبی را به سطح والاتری (از ادبی بودن یا سبک ادبی داشتن) تعالی می‌بخشد» (شمیسا، ۱۳۹۵: ۲۰-۲۱). از نکات مهمی که باید در بلاغت زبان فارسی در نظر داشت آن است که بدیع در بلاغت اسلامی به‌عنوان علمی مستقل شناخته شده است، چنان‌که با اندکی تأمل در کتاب‌های بلاغی می‌توان دریافت از میان سه شاخه علوم بلاغی، نویسندگان بیشتر به دو مبحث بیان و به‌ویژه بدیع پرداخته‌اند. از دیدگاه بدیع‌نگاران و دانشمندان بدیع

فارسی، «تکرار» در قلمرو علم بدیع قرار دارد. به شمار رفتن تکرار به‌عنوان یک آرایه در علم بدیع از آن روست که موجب به وجود آمدن موسیقی در کلام می‌شود. به‌عبارت دیگر، «بدیع» بر خلاف دو علم بلاغی دیگر، یعنی «معانی» و «بیان»، بیش از آنکه با معنی واژه‌ها و عبارت‌ها و کلّ کلام مربوط باشد، با خود لفظ و سطح بیرونی کلام پیوند دارد و بیشتر از طریق برجسته‌سازی و زیبایی‌آفرینی در آواهای زبان، موسیقی را در سطح کلام ایجاد می‌کند» (واعظ و کاردل ایلوری، ۱۳۹۰: ۱۳۸). بدیع لفظی چنان‌که از نامش پیداست، مربوط به زیبایی الفاظ کلام است و کمتر با معنا ارتباط دارد و «آن است که از پیکره و ریخت واژه برآید، به‌گونه‌ای که اگر معنا برجای ماند و ریخت و پیکره واژه دیگرگون شد، آرایه از بین برود» (کزآزی، ۱۳۹۶: ۴۲). یکی دیگر از پژوهشگران درباره‌ی تعریف آرایه‌های برونی یا لفظی می‌نویسد: «شیوه‌هایی هستند که بخش برونی سخن را می‌آریند و می‌پردازند. بخش بیرونی همان است که با زبان گفته می‌شود، با گوش شنیده می‌شود و چون نوشته شود، با چشم دیده می‌شود؛ بنابراین هر شیوه‌ای که سخن را نرم و هموار بر زبان بگذراند و نوای آن را گوش‌نواز سازد یا شکل و سیمایی چشم‌نواز بدان بخشد، آرایه برونی و صنعت لفظی خواهد بود» (راستگو، ۱۳۸۲: ۸).

در سویه دیگر زبانی این پژوهش، یعنی بلاغت انگلیسی، آرایه‌های برونی ذیل اصطلاحات Figure of speech (صناعات بدیعی) یا Rhetorical figures (فنون بلاغت) یا scheme (تمهید بلاغی) بررسی می‌شوند و صنایعی هستند که صرفاً بر نظم و ترتیب واژگان یا تأثیر آن بر مخاطبان عمل می‌کنند» (Baldick, 2001: 97). صنعت تکرار نیز در همین قلمرو از بلاغت این زبان مورد بررسی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، علم بدیع در این زبان به‌عنوان علم خاصی مطرح نیست. به‌عبارت دیگر، «در ادبیات انگلیسی از صنایع بدیعی<sup>۱</sup> مستقلاً بحث نمی‌شود؛ اما این‌گونه صناعات را تحت عنوان

کلی آرایه‌های سخن یا Figure of speech نام می‌برند که خود بسیاری از مباحث علم معانی و صناعات بلاغی را دربر می‌گیرد» (داد، ۱۳۹۲: ۳۳۴).

### ۱-۱. پیشینه تحقیق

از جمله آثاری که مشابهتی با جستار پیش رو دارند، می‌توان به مقاله «سر بلاغی تکرار در قرآن»، نوشته محمد علوی مقدم (۱۳۶۳)، مقاله «جایگاه تکرار و لزوم بازنویسی»، نوشته شهناز شاهین (۱۳۸۲)، مقاله «تکرار بلاغی، اهمیت و لزوم بازنگری آن»، نوشته جهان دوست سبزیلیپور (۱۳۸۸)، مقاله «بررسی تأثیر تکرار در فصاحت بوستان»، نوشته بتول واعظ و رقیه کاردل ایلواری (۱۳۹۰)، مقاله «بلاغت تکرار در قرآن و شعر قدیم عربی (جاهلی)»، نوشته مهدی خرمی (۱۳۹۲)، مقاله «بلاغت اسلوب تکرار در مضامین طنز محمدمهدی جواهری و تحلیل معانی ثانویه»، نوشته رضا رضایی (۱۳۹۴)، مقاله «شگردهای بدیع لفظی در داستان‌نامه بهمنیاری و ضرب‌المثل‌های مازندرانی»، نوشته علی رزاقی شانی و همکاران (۱۳۹۸) که در آن به بررسی شگردهای خاص صنایع لفظی در مثل‌های مازندرانی، از جمله صنعت تکرار پرداخته شده، اشاره کرد. در تمامی این آثار، تکرار در بلاغت فارسی و کم‌وبیش بلاغت عربی بررسی شده و از نظر نوع نگرش به تکرار بلاغی و شیوه بررسی، با جستار پیش رو کاملاً متفاوت است. سیما داد (۱۳۹۲) در فرهنگ اصطلاحات ادبی، به برخی اصطلاحات تطبیقی تکرار در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی پرداخته، البته طبقه‌بندی تکرار در این دو زبان مورد توجه نویسنده قرار نگرفته است.

از جمله آثاری که شباهت بیشتری به جستار پیش رو دارند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پایان‌نامه عزت‌الله سپه‌وند (۱۳۹۱) با عنوان «بلاغت تطبیقی در حوزه فارسی و انگلیسی» که در آن به برخی از مباحث تطبیقی صنعت تکرار در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی پرداخته شده است و مقاله «صنعت تکرار، انواع و کاربردهای آن در بدیع»، نوشته علی صابری (۱۳۹۱) که نویسنده در آن انواع تکرار در بلاغت فارسی و عربی را بررسی کرده است و متناسب با موضوع نمونه‌هایی از تکرار در بلاغت

طبقه‌بندی و رده‌شناسی «تکرار بلاغی» و انواع آن در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی... ۱۱

انگلیسی در آن دیده می‌شود. البته موضوع اصلی در جستار حاضر با تمامی آثار یادشده متفاوت است؛ بنابراین باید مقاله پیش رو را پژوهشی نو دانست که می‌تواند نکاتی درخور بحث ارائه دهد.

## ۱-۲. روش و پرسش‌های تحقیق

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای است که با مطالعه و تحقیق در بلاغت متون فارسی و انگلیسی انجام شده است. روش استدلالی این پژوهش، استقرایی و روش تحلیل داده‌ها، کیفی و برپایه طبقه‌بندی و رده‌شناسی تکرار بلاغی در دو زبان فارسی و انگلیسی بوده، از سوی دیگر، این پژوهش براساس اصول و مبانی مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی انجام گرفته است.

این پژوهش بر آن است براساس رویکردی تطبیقی و پرسش‌هایی بنیادینی مانند:

- از طبقه‌بندی و رده‌شناسی «تکرار بلاغی» و انواع آن در بلاغت زبان‌های فارسی و

انگلیسی چه نتایجی می‌توان گرفت؟

- کدام‌یک از این دو زبان، دقیق‌تر و منظم‌تر به مبحث طبقه‌بندی تکرار بلاغی

پرداخته‌اند؟

به تحلیل، بررسی و مقایسه تکرار بلاغی و طبقه‌بندی انواع آن در دو زبان فارسی و انگلیسی پردازد. ازجمله اهدافی که در این پژوهش دنبال می‌شود، بررسی مفاهیم و اصطلاحات صنعت تکرار در زبان‌های فارسی و انگلیسی برپایه طبقه‌بندی و رده‌شناسی این شگرد بدیعی است.

## ۲. مبانی نظری تحقیق

با توجه به اینکه رویکرد بررسی ما در این جستار، طبقه‌بندی و رده‌شناسی تکرار بلاغی و انواع آن در دو زبان فارسی و انگلیسی است، پیش از ورود به مبحث اصلی، ضروری است با مفهوم اصطلاحی طبقه‌بندی و تکرار و نیز مصادیق این صنعت بلاغی در منابع فارسی و انگلیسی به‌طور مختصر آشنا شویم.

## ۱-۲. گذری بر مفهوم طبقه‌بندی و رده‌شناسی دانش‌ها

از آنجا که فکر و ذهن انسان اندیشمند همواره نیازمند نظم و انضباط است، باید دانش و آموخته‌های او نیز منظم و سازمان یافته باشد. نخستین طبقه‌بندی به افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ ق.م) و ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م) نسبت داده شده است. پس از آن، دانشمندان دیگری چون کندی (۱۸۵-۲۶۰ ق)، فارابی (۲۶۰-۳۳۹ ق)، ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) و غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ق) نیز دربارهٔ طبقه‌بندی علوم بحث کرده‌اند (رک: یعقوب‌نژاد، ۱۳۹۴: ۵-۶). تعاریف مختلفی که برای طبقه‌بندی ارائه شده از این قرار است:

۱. تنظیم منطقی اشیا برحسب درجهٔ شباهت (رک: مظاهری تهرانی و فقیهی، ۱۳۴۸: ۱۵۹)؛

۲. تقسیم یک مجموعه از اشیا به قسمت‌هایی که با مشخصات خاصی به هم مرتبط شده‌اند؛

۳. قرار دادن اشیا مورد نظر در طبقه‌ها و مقوله‌هایی که به‌طور منسجم در یک سلسله‌مراتب تنظیم شده‌اند (رک: نوالی، ۱۳۸۸: ۱۷۹)؛

۴. طبقه‌بندی عمل انقسام و انتظام یک مجموعه معین از اشیا است که به طبقه‌بندی جامع به صورت طبقه‌های معادلی منتهی می‌شود که متقابلاً مانع ورود یکدیگر هستند و با صفت تعلق تعریف می‌شوند. رابطهٔ معادله‌ای ممکن است یک شباهت، یک تقدّم و یک تبعیت باشد. اگر طبقه‌ها شامل بعضی از قسم‌ها باشد، طبقه‌بندی‌ها مبهم و نامشخص است. ظرافت و کمال طبقه‌بندی به تعداد قسم‌های آن مربوط است. یک طبقه‌بندی با سلسله‌مراتب دنبالهٔ تقسیم‌بندی‌هایی است که دربارهٔ مجموعه‌ای از اشیا کاملاً دقیق اعمال شده است. دنبالهٔ یک سلسله تقسیم‌های متوالی که با رابطهٔ تقدّم کاملاً منظم شده باشد (رک: ژاکوب، ۱۹۹۰: ۳۳۶).

با توجه به مفهوم اصطلاحی طبقه‌بندی باید افزود دانش‌های بلاغی نیز مانند تمامی دانش‌ها، موضوعات مختلف، طبقه‌بندی‌ها و زمینه‌های وسیعی را دربر می‌گیرد که این طبقه‌بندی‌ها از بایستگی‌های دانش بلاغت است و همان طور که گفته شد هر نوع

طبقه‌بندی و رده‌شناسی «تکرار بلاغی» و انواع آن در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی... ۱۳

دستاورد علمی اندیشه و ذهن انسان اندیشمند و آموخته‌ها و آموزه‌های انسان، لازم است دارای رده‌بندی یا طبقه‌بندی باشد؛ چراکه دانش با هدف سودمندی بیشتر، نیازمند نظم و انضباط است. طبقه‌بندی اصطلاحات و مفاهیم دانش بلاغت نیز از ضرورت‌های آن است. طبقه‌بندی تکرار بلاغی در این پژوهش بر مبنای رده‌شناسی و دسته‌بندی اصطلاحاتی است که در دو حوزه فارسی و انگلیسی مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

## ۲-۲. تعریف تطبیقی صنعت تکرار در منابع فارسی و انگلیسی

تکرار در اصطلاح آن است که «شاعر یا نویسنده به منظور نشان دادن اهمیت و برجسته کردن یک واژه یا یک عبارت در متن یا ایجاد موسیقی در کلام و آرایش سخن خود، لفظ یا الفاظی را مکرر می‌آورد» (صابری، ۱۳۹۱: ۳۸). یکی دیگر از پژوهشگران تکرار را چنین تعریف کرده‌است: «تکرار بدین گونه است که واژه‌ای خواه اسم، فعل یا حرف در عبارت یا بیتی چند بار تکرار شود. برخی از دانشمندان علم بلاغت، تکرار و کثرت آن را بر دو گونه دانسته‌اند: یکی تکرار مکروه و ناپسند که از عوامل مغلّ فصاحت کلام است و دیگری تکرار مطلوب که سبب لطف و رونق کلام می‌گردد» (صادقیان، ۱۳۸۸: ۸۹).

در منابع انگلیسی، اصطلاح Repetend عبارت است از «واژه، عبارت یا بیتی که در یک شعر تکرار می‌شود» (Baldick, 2001: 216). به عبارت دیگر، چنان‌که سیما داد (۱۳۹۲: ۱۵۶) در کتاب فرهنگ اصطلاحات ادبی می‌نویسد: «تکرار الفاظ در پی یکدیگر و به منظور تأکید همان است که در فارسی، تکرار و در اصطلاح انگلیسی Paliogy گویند»؛ بنابراین مفهوم اصطلاحی تکرار در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی بسیار شبیه هم است.

## ۳-۲. طبقه‌بندی انواع تکرار بلاغی در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی

همان طور که ذکر شد، تکرار در بلاغت فارسی از جمله صناعات مطرح در علم بدیع است که جزء صنایع لفظی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سیروس شمیسا (۱۳۹۵:

در کتاب نگاهی تازه به بدیع، تکرار را به انواع گوناگونی تقسیم کرده است که برخی از آن‌ها خود به انواعی دیگر تقسیم شده‌اند:

۱. تکرار واک: هم حرفی یا هم حرفی، هم صدایی؛ ۲. تکرار هجا؛ ۳. تکرار واژه که انواعی دارد: ردّ الصدر الی العجز، ردّ العجز الی الصدر، تشابه الاطراف، التزام یا اعنات، تکرار یا تکریر، طرد و عکس یا تبدیل و عکس؛ ۴. تکرار عبارت یا جمله. در زبان انگلیسی نیز گونه ادبی تکرار، ذیل اصطلاح Figure of speech مورد بررسی قرار می‌گیرد و مصادیقی دارد که عبارت‌اند از:

۱. دسته‌ای از این مصادیق ذیل عنوان figures of sound (صنایع لفظی) بررسی شده‌اند که به وسیله صنایعی مانند هم حرفی (Alliteration)، هم صدایی (Assonance) و هم صامتی (Consonance) شناخته می‌شوند که به این دسته، Echo یا پژواک را نیز باید افزود.

۲. دسته‌ای با تکرار کلمات یا واژه‌ها بر مبنای جایگاهی که این تکرار واقع شده است طبقه‌بندی شده‌اند که عبارت‌اند از: Anadiplosis (ردّ العجز الی الصدر)، Anaphora (تکرار الصّدره)، Chiasmus (وارونگی یا تشابه الاطراف)، Antistrophe (طرد و عکس)، Antimetadole (قلب نحوی)، Leonine Rhyme (اعنات یا التزام)، Lipogram (تجرید یا حذف)، Epistrophe (ردّ القافیه) و Epizeuxis (تکرار تأکیدی).

۳. دسته‌ای دیگر نیز تکرار عبارت یا جمله را دربر خواهند گرفت، از جمله: Refrain (برگردان یا بند ترجیع) (v. Baldick, 2001: 97).

۳. تحلیل داده‌ها: طبقه‌بندی و رده‌شناسی انواع تکرار بلاغی در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی



در این بخش به طبقه‌بندی تکرار بلاغی در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی پرداخته می‌شود که شامل تکرار واک، تکرار واژه و تکرار عبارت یا جمله است و هر یک به گونه‌هایی تقسیم می‌شوند.

### ۳-۱. طبقه‌بندی انواع تکرار براساس واک مکرر

عبارت از تکرار یک صامت یا مصوت در تعدادی از کلمات یک یا چند جمله است و در زبان‌های فارسی و انگلیسی به انواعی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از:

#### ۳-۱-۱. تکرار صامت

اصطلاح Consonance یا هم‌صامتی در بلاغت انگلیسی عبارت است از «هم‌جنس بودن صداها یا همخوان (صامت) که قبل یا بعد از واژه‌های (مصوت / حروف صدادار) مختلف تکرار می‌شوند. برای نمونه، تکرار صامت‌های sl و p در کلمات slip-slop یا تجنیس cr و k در کلمات creak-croak» (Cuddon, 2013: 153). در بلاغت فارسی نیز می‌توان بیت زیر را به‌عنوان نمونه‌ای ذکر کرد که در آن صامت‌های «ص» و «ف» در کلمات صوفی و صافی تکرار شده‌اند:

نقد صوفی نه همه صافی بی‌غش باشد      ای بسا خرقة که مستوجب آتش باشد  
(حافظ، ۱۳۸۵: ۱۵۹)

#### ۳-۱-۲. تکرار مصوت

عبارت است از توزیع مصوت‌ها یا تکرار حرف در کلام به شرط آنکه این تکرار به حدی باشد که ذهن آن را درک کند. این تکرار به‌ویژه در حروف خوش‌آهنگ باعث زیبایی کلام و خوش‌آهنگی و گوش‌نوازی آن می‌شود (رک: وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۲۸). در بلاغت انگلیسی، ذیل اصطلاح Echo آمده است: تکرار همان صدا یا ترکیبی از صداها نسبتاً نزدیک به یکدیگر به‌طوری که انعکاس صدای متفاوت با دیگری داشته باشد. شیوه‌ای رایج در نظم برای تقویت معانی و ساختار و نیز فراهم کردن لحن و آهنگ (موسیقی) است. از این رو در ادبیات مغرب‌زمین بر مبنای

پژواک، شعرهایی به نام شعر پژواکی<sup>۱</sup> مطرح است و آن شعری است که در آن، آخرین هجاهای یک مصراع، در مصراع بعدی به صورت انعکاس صوت یا تغییر در معنی تکرار می‌شود. نمونه‌های اولیه این شگرد شعری در کتاب مجموعه یونانی Greek Antbology که حدود سال ۹۲۵ میلادی گردآوری شده، یافت می‌شود. این شیوه در آثار فرانسوی، ایتالیایی و انگلیسی در سده شانزدهم و هفدهم نیز یک بار دیگر متداول شد. فیلیپ سیدنی<sup>۲</sup> (۱۵۸۶-۱۵۵۴ م)، جورج هربرت<sup>۳</sup> (۱۶۳۳-۱۵۹۳ م) و تیلور سوئیفت<sup>۴</sup> (۱۶۶۷-۱۷۴۵ م) شعرهایی به این شیوه سروده‌اند (Cuddon, 2013: 223).

### ۳-۱-۳. جناس آوایی (واج آرایی)

می‌توان آن را تجانس واج‌ها نیز نامید و آن است که «ادیب به منظور ایجاد موسیقی در کلام خود، واج‌های آغازین کلمات را تکرار کند یا به عبارتی، پی‌درپی واژه‌هایی را برمی‌گزیند که با حروف هم‌آوا آغاز می‌شوند - که هم‌حروفی منظم نامیده می‌شود- تا مفهوم خود را با ایجاد موسیقی در کلام، بهتر به مخاطب القا کند» (صابری، ۱۳۹۱: ۳۸). البته هم‌حروفی به صورت پنهان نیز به کار می‌رود؛ برای نمونه در بیت:

رشته تسمیح اگر بگسست معذورم بدار دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود  
(حافظ، ۱۳۸۵: ۲۰۷)

همان طور که ملاحظه می‌شود، در این بیت واج «س» ۸ بار، واج «ر» ۵ بار و واج «ت» ۴ بار به صورت پنهان تکرار شده‌اند.

اصطلاح Alliteration، واژه‌ای یونانی به معنی تکرار مجدد و بازی با یک حرف مشابه (هم‌حروفی) در بلاغت انگلیسی عبارت است از: صنعتی بدیعی که در آن

1. Echo verse
2. Philip Sidney
3. George Herbert
4. Taylor Swift

طبقه‌بندی و رده‌شناسی «تکرار بلاغی» و انواع آن در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی... ۱۷

صامت‌ها به‌ویژه در ابتدای کلمات یا هجاهای تکیه‌دار تکرار می‌شوند. این شیوه بسیار قدیمی در شعر انگلیسی (قدیمی‌تر از قافیه) عموماً رایج است و گاهی در نثر استفاده می‌شود. در اشعار کهن انگلیسی، هم حروفی بخشی مستمر و ضروری از وحدت موسیقایی و طرح موزون بود و تا اواخر قرون وسطی مورد استفاده قرار می‌گرفت. با این حال، بعد از سده ۱۵ میلادی کمیاب شد. نمونه‌های مشهور بسیاری وجود دارد؛ برای نمونه، ساموئل تیلور کالریج<sup>۱</sup> (۱۸۳۴-۱۷۷۳ م) در شعر «کوبلاخان»<sup>۲</sup> در توصیف رود مقدس چنین می‌گوید:

Five miles meandering with a mazy motion.

پنج مایل پرسه‌زدن با حرکتی مارپیچ (Cuddon, 2013: 22).

اصطلاح Alliteration در بلاغت انگلیسی «با عنوان initial یا head rhyme یا initial rhyme به معنای قافیه آغازی نیز شناخته می‌شود» (Baldick, 2001: 6). این قسم از هم حروفی در بلاغت انگلیسی به دو شکل عمده در شعر به کار می‌رود:

۱. تکرار یک صدای آغازی به دفعات و به‌منظور تأکید که این را اصطلاحاً Piled alliteration یا جناس آوایی انبوه می‌گویند؛ برای نمونه، تکرار صدای b در سطر نخست و صدای f در سطر دوم:

And all should cry, Beware!

Beware! His flashing eyes, his floating hair.

همه کس باید فریاد سر دهد: زنهار!

زنهار! چشمان جادویی‌اش، گیسوان مواجش.

۲. تکرار چند صدای آغازین به تناوب و به‌منظور ایجاد توازن که این را Cross alliteration یا جناس آوایی متقاطع می‌گویند؛ مثل صداهای s, t, th در سطرهای زیر:

How soon hath time subtle thief of youth?

Stoh'n on his wing my three and twentieth year!

چه زود زمان، جوانی‌ام را به سرقت برد

---

1. Samuel Taylor Coleridge

2. Kubla Khan

و بیست و سومین سال عمرم از راه رسید (داد، ۱۳۹۲: ۱۸۷).

شمیسا در این باره می‌افزاید: «تکرار صامت ممکن است به صورت پراکنده نیز در میان کلمات به کار رود که فرنگی‌ها به آن Hidden Alliteration یا هم‌حروفی پنهان می‌گویند» (شمیسا، ۱۳۹۵: ۷۳).

در ادامه باید گفت در بلاغت فارسی هرگاه تکرار واك، یادآور صدای خاصی در طبیعت باشد، به آن، نغمهٔ حروف گفته می‌شود؛ برای نمونه در بیت زیر:

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است      باد خنک از طرف خوارزم وزان است  
(منوچهری، ۱۳۷۵: ۱۵۳)

تکرار واج «خ» به صورت منظم، بیانگر خش‌خش و خرد شدن برگ‌های پاییزی در زیر پا را تداعی می‌کند. در بلاغت فرنگی، اصطلاحی با عنوان Onomatopoeia یا صدامعنایی وجود دارد: «کلماتی هستند که لفظ و صدایشان شنونده را به منبع صوت دلالت می‌کند؛ مثل: چک‌چک (= قطرهٔ باران) یا قارقار (= صدای کلاغ). به نظر می‌رسد این بحث مربوط به لغات است و جنبهٔ بدیعی ندارد؛ اما اگر در کلامی این خاصیت باشد، جنبهٔ بدیعی پیدا می‌کند؛ به عبارت دیگر، هم‌حروفی که از صنایع لفظی است، جنبهٔ معنوی می‌یابد» (شمیسا، ۱۳۹۵: ۱۱۹). رپیکا در تاریخ ادبیات ایران<sup>۱</sup> می‌نویسد: «در زبان‌شناسی صنعت‌هایی که تنها نزد نظریه‌پردازان خاورزمین شناخته شده است، می‌توان موردهای معکوس به‌ویژه صداها را تقلیدی را نقل کرد که به نظر می‌رسد از علم بدیع شرقی شانه خالی کرده‌اند» (رپیکا، ۱۳۸۳: ۲۰۰/۱).

### ۳-۱-۴. هم‌آوایی

هم‌آوایی، یکی دیگر از مظاهر موسیقی کلام است و «از طریق تکرار یک یا چند مصوت کوتاه یا بلند در کلمات پی‌درپی به دست می‌آید. این ساختار سبب نوعی

طبقه‌بندی و رده‌شناسی «تکرار بلاغی» و انواع آن در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی... ۱۹

خوش آهنگی و انگیزش آوایی در کلام می‌شود» (صابری، ۱۳۹۱: ۳۹). برای نمونه، تکرار «الف» و «ا» در بیت زیر:

سَمَن بویان غبار غم چو بنشینند بنشانند  
پَری رویان قَرار از دل چو بستیزند بستانند  
(حافظ، ۱۳۸۵: ۱۹۵)

در بلاغت انگلیسی، ذیل اصطلاح Assonance یا هم‌صدایی آمده است: گاهی قافیۀ صوتی 'معنا می‌دهد، شامل تکرار مصوت‌های مشابه و یکسان است که معمولاً در کنار هم قرار می‌گیرند تا یک اثر خوش آهنگ به وجود آید؛ برای نمونه، در ابیات زیر از شعر «خیال‌با فان بی‌غم»<sup>۲</sup> اثر آلفرد لرد تنیسون<sup>۳</sup> (۱۸۰۹-۱۸۹۲ م) نوعی صداهای کسل‌کننده وجود دارد که هم صدا هستند:

The Lotos blooms below the barren peak:  
The Lotos blows by every winding creek:  
All day the wind breathes low with mellower tone  
Thro' every hollow cave and alley lone,  
Round and round the spicy downs the yellow Lotos-dust is  
blown.

لوتس در زیر قله‌های سترون می‌وزد

لوتس در کنار هر جوی پریچ می‌وزد

هر روز باد با آهنگی خوش‌تر می‌وزد

و راه به غارهای متروک و کوچه‌های بی‌رهر و می‌یابد

و غبار زردرنگ لوتس بر گرد کرانه‌های دلپذیر پاشیده می‌شود» (Cuddon, )

2013: 56.

### ۲-۳. طبقه‌بندی انواع تکرار براساس واژه مکرر

تکرار واژه در بلاغت فارسی و انگلیسی برحسب آنکه در کجای کلام اتفاق بیفتد،

انواع گوناگونی دارد که عبارت است از:

- 
1. Vocalic rhyme
  2. Lotos Eaters
  3. Alferd Lord Tennyson

### ۳-۲-۱. رد الصدر الى العجز

آن است که واژه اولی بیتی در آخر همان بیت تکرار شود:

**آدمی** در عالم خاکی نمی آید به دست عالمی دیگر بیاید ساخت وز نو **آدمی**  
(حافظ، ۱۳۸۵: ۴۷۳)

در بلاغت انگلیسی، اصطلاح Epanalepsis «صناعتی بدیعی است که در آن کلمه آغازین یک جمله یا بیت شعر در انتهای آن ظاهر می شود» (Baldick, 2001: 81):

Say first, for Heaven hides nothing from thy view,  
Nor the deep tract of Hell, say first what cause  
Moved our grand Parents, in that happy state...

اول بگو، چراکه بهشت و دوزخ هم، هیچ چیز را از چشم پنهان نمی کند. نخست بگو چه چیز سبب شد نیاکان ما از آن آرامگاه رانده شدند؟» (Cuddon, 2013: 239).

### ۳-۲-۲. رد العجز الى الصدر

آن است که آخرین واژه بیت اولی در آغاز بیت دوم تکرار شود:

**آدمی** چون تو در آفاق نشان نتوان کرد بلکه در جنت فردوس نباشد چو تو **حور**  
**حور** فردا که چنین روح بهشتی بیند گرش انصاف بود معترف آید به قصور  
(سعدی، ۱۳۷۷: ۴۴۳)

در بلاغت غرب، اصطلاح Anadiplosis (واژه‌ای یونانی به معنی دوبله کردن) عبارت است از: «تکرار آخرین واژه یک جمله در ابتدای جمله بعد برای به دست آوردن یک مفهوم خاص. برای نمونه، شمشون در ابتدای آلام شمشون اِجان میلتون<sup>۲</sup> (۱۶۷۴-۱۶۰۸ م):

I seek  
This unfrequented place to find some *ease*,  
*Ease* to the body some, none to the mind  
From restless thoughts.

1. Samson Agonistes
2. John Milton

من می‌گردم

در این محلّ دورافتاده برای پیدا کردن اندکی آسودگی  
کمی آرام تن می‌یابم؛ اما آرام جان، افسوس، هیچ نمی‌یابم  
از اندیشه‌های بی‌قرار» (Cuddon, 2013: 23).

آنچه ذکر شد، در بلاغت غرب بود؛ بنابراین باید افزود: «در بلاغت انگلیسی این  
صناعت را Metabole گویند و بیتی را که این قسم تکرار در آن باشد، Serpentine  
verse نامند» (داد، ۱۳۹۲: ۲۳۴-۲۳۵).

### ۳-۲-۳. رد الصدر الی الصدر (تکرار الصدره)

در بلاغت فارسی فقط به دو مورد رد الصدر الی العجز و رد العجز الی الصدر  
اشاره شده و رد الصدر الی الصدر از قلم افتاده است؛ اما در بلاغت غربی به  
Anaphora نیز اشاره می‌شود که همان رد الصدر الی الصدر است:

«(Anaphora در یونانی به معنی تکرار) در بلاغت، صنعتی بدیعی که در آن واژه  
یا واژه‌هایی معمولاً در آغاز جملات پی‌درپی و یا بندهای شعر تکرار می‌شوند. ویلیام  
بلیک<sup>۱</sup> (۱۸۲۷-۱۷۵۷ م) یک نمونه را ارائه می‌دهد:

*In every cry of every man / In every infant's cry of fear / In  
every vice, in every ban / The mind-forg'd manacles I hear.*

در هر گریه از هر مرد / در گریه ترس هر نوزاد / در هر معامله، در هر ممنوعیت /  
ذهنم را فراموش کرده‌ام» (Quinn, 2006; 23).

### ۳-۲-۴. طرد و عکس یا تبدیل و عکس

در بلاغت فارسی، طرد و عکس آن است که جای کلمات در دو مصراع یا دو بند  
یک عبارت تغییر کند؛ به عبارت دیگر، «مصراع اول را با تقدیم و تأخیر کلمات در  
مصراع دوم تکرار کنند» (همایی، ۱۳۹۴: ۸۶). در بلاغت انگلیسی، صنعت طرد و  
عکس، ذیل عناوین زیر مطرح می‌شود:

۱. اصطلاح Chiasmus «(برگرفته از واژه‌ای یونانی است که به حرف X یا عطف اشاره دارد) به معنی دو عبارت یا بند متوالی است که نحو تقارن دارند؛ اما ترتیب کلمات آن‌ها معکوس می‌شود. در شعر «یک خلبان ایرلندی مرگش را پیش‌بینی می‌کند»<sup>۱</sup> (۱۹۱۹ م) سروده ویلیام باتلرییتس<sup>۲</sup> (۱۸۶۵-۱۹۳۹ م) برای دست‌یافتن به عطف بلاغی، ترتیب کل عبارت معکوس شده است:

*The years to come seemed waste of breath,  
A waste of breath the years behind.*

سال‌های فرار و اتلاف نَفَس خواهد بود

و سال‌های پشت سر نیز اتلاف نَفَس بود» (ایبرمز و گالت هرهم، ۱۳۹۴: ۳۸۴).  
با توجه به توضیحات باید گفت «این نوع عکس نحوی در بلاغت انگلیسی با آنچه در بدیع فارسی تشابه‌الاطراف (تسبیخ) خوانده می‌شود، برابر است» (داد، ۱۳۹۲: ۳۳۷) و آن عبارت از آرایه‌ای است که «واژه یا واژه‌های پایانی هر پاره، در آغاز پاره دیگر باز آورده شوند» (کزازی، ۱۳۹۶: ۷۳).

۲. اصطلاح Antistrophe در بلاغت انگلیسی، «به معنی تکرار کلمات در نظم معکوس است:

*The master of the servant and the servant of the master.*

استاد خدمتکار، خدمتکار استاد.

همچنین تکرار کلمه یا عبارت در انتهای جملات متوالی را توصیف می‌کند» (Preminger, 1975: 39).

۳. اصطلاح Antimetabole «(واژه‌ای یونانی به معنی تغییر مخالف یا گوناگونی) به بازگویی [پس‌وپیش کردن] کلمات در بندهای پیاپی، در ساختارهای دستوری معکوس اطلاق می‌شود؛ برای نمونه در این مثال از ساموئل جانسون<sup>۳</sup> (۱۷۰۹-۱۷۸۴ م):

1. An Irish Airman Foresees His Death
2. William Butler Yeats
3. Samuel Johnson



It ought to be the first endeavour of a writer to distinguish nature

from custom, or that which is established

because it is right

from that which is right only because it is established.

نخستین تلاش نویسنده باید در جهت تمایز طبیعت

از سنت یا آنچه نهادینه شده‌است، باشد

چراکه گمان بر این است

که آنچه نهادینه شده‌است، درست است» (Cuddon, 2013: 42-43).

### ۵-۲-۳. اعنات یا التزام

شمس قیس رازی (۱۳۷۳: ۳۹۰) در این باره می‌نویسد: «آن است که شاعر حرفی یا کلمه‌ای که التزام آن واجب نباشد، التزام کند و در هر بیت یا مصراع مکرر گرداند و شعرای عجم آن را لزوم ما لایلزم خوانند و اعنات در کاری دشوار افکندن است.»

در بلاغت انگلیسی، «اصطلاح Leonine rhyme نوعی از قافیۀ درونی (تصریح) که در آن یک کلمه یا هجا در اواسط یک بیت شعر، با کلمه یا هجای پایانی در همان بیت هم‌قافیه می‌شود؛ مانند بیت آغازین «شعر کلاغ»<sup>۱</sup> سروده ادگار آلن پو<sup>۲</sup> (۱۸۰۹-۱۸۴۹ م):

Once upon a midnight dreary, while I pondered, weak and weary.

یک بار در نیمه شب دلتنگ‌کننده که در اندیشه بودم، ضعیف و خسته»

(Baldick, 2001: 139).

وجه تسمیۀ این نوع شعر در ادبیات لاتین به این دلیل است که «این نوع شعر به‌طور سنتی به نام Leo شاعر فرانسوی (قرن ۱۲ ق.م) نام‌گذاری شده است که اشعار لاتینی خود را با رعایت چنین اندیشه‌ای سروده است» (Cuddon, 2013: 392).

---

1. The Raven

2. Edgar Allan Pope

نوع دیگری از اعنات در ادبیات وجود دارد که حذف یا تجرید نامیده می‌شود و آن «مقید شدن شاعر یا نویسنده است به اینکه یک یا چند حرف از حروف الفبا را در کلمات شعر یا نوشته خود نیاورد؛ مثلاً قصیده‌ای بسازد که حرف الف در کلمات آن به کار نرفته باشد. در شعر قدیم اروپایی، این صنعت را لیپوگرام<sup>۱</sup> می‌نامند. پیندار<sup>۲</sup> (۴۴۳-۵۵۲ ق.م) شاعر معروف یونانی، آن را در بعضی از آثار خود به کار برده است» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۲۸).

### ۶-۲-۳. ردّ القافیه

در بلاغت فارسی، آن است که قافیۀ مصراع اوّل مطلع قصیده یا غزل را در آخر بیت دوم تکرار کنند، به طوری که سبب زیبایی شعر یا کلام باشد (همایی، ۱۳۹۴: ۸۵). در منابع غربی، ذیل عنوان Epistrophe آمده است: چیدمانی که به وسیله کلمه یا عبارات مشابه در انتهای سطرها، جملات و ابیات پیوسته تکرار می‌شود؛ مانند آهنگ زیر سرودهٔ والت ویتمن<sup>۳</sup> (۱۸۱۹-۱۸۹۲ م):

The moth and the fish-eggs are in their place,  
The bright suns I see and the dark suns I  
cannot see are in their place,  
The palpable is in its place and the impalpable is in its place.

پروانه‌ها و تخم مرغ‌ها در جای خود قرار دارند

خورشیدهای درخشانی را که می‌بینم و آنانی را که نمی‌بینم در جای خود قرار

دارند

ملموس در جای خود و ناملموس نیز در جای خود قرار دارد ( Baldick, 2001: )

(85).

### ۳-۲-۷. تکرار تأکیدی

1. Lipogram
2. Pindaros
3. Walt Whitman

طبقه‌بندی ورده‌شناسی «تکرار بلاغی» و انواع آن در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی ... ۲۵

در بلاغت انگلیسی، اصطلاح Epizeuxis عبارت است از: «صنعتی بلاغی که در آن یک کلمه برای تأکید و تأثیری خاص بدون مداخله کلمه دیگری (بلافاصله بعد از همان کلمه و پشت سر هم) تکرار می‌شود؛ برای نمونه، عبارت «بیمار، بیمار، بیمار!» (sick, sick, sick!)» (Baldick, 2001: 86). در بلاغت فارسی، تکرار کلمات پشت سر هم را تکریر (تصدیر) می‌گویند:

دل و دینم دل و دینم بیردهست      بر و دوشش بر و دوشش بر و دوشش  
دوای تو دوای توست حافظ      لب نوشش لب نوشش لب نوشش  
(حافظ، ۱۳۸۵: ۲۸۲)

### ۳-۳. طبقه‌بندی انواع تکرار براساس عبارت یا جمله مکرر

در بلاغت فارسی به دو نوع بند ترجیع و ردالمطلع تقسیم می‌شود؛ اما در انگلیسی فقط برگردان یا همان بند ترجیع یافت شد.

#### ۳-۳-۱. برگردان (واگردان - بند ترجیع)

یکی دیگر از کاربردهای صنعت تکرار، در شعر و سرود است که «به عبارت، مصرع، بیت یا مجموعه ابیاتی اطلاق می‌شود که در پایان هر بخش یا هر بند شعر و در فاصله‌های معین تکرار می‌شود تا در شعر، فضای غنایی ویژه‌ای ایجاد کند و گاهی ممکن است شاعر برای ایجاد تنوع در این فضا، برخی از واژه‌های آن را تغییر دهد. این نوع تکرار در ادبیات‌های جهان سابقه‌ای دیرینه دارد و از شیوه‌های کهن و مشترک بین ادبیات ملت‌های گوناگون بود. در ادبیات کهن جهان می‌توان برای نمونه به مزامیر داوود در ادبیات عربی، شعرهای شبانی در ادبیات یونانی و سرود ازدواج در ادبیات انگلیسی اشاره کرد» (صابری، ۱۳۹۱: ۴۲).

در بلاغت انگلیسی، اصطلاح Refrain، «مصرع یا بخشی از یک مصرع و یا گروهی از مصرع‌ها است که معمولاً در پایان هر بند شعری و گاهی همراه با تغییراتی اندک، تکرار می‌شود. بند ترجیع در بسیاری از ترانه‌ها و «کارسرودها» دیده می‌شود و

یک عنصر دائمی در آوازه‌های عصر الیزابت است. برای نمونه، مصرع‌ای که در پایان بند شعرهای «سرود ازدواج»<sup>۱</sup> (۱۵۹۳ م) اثر ادmond اسپنسر<sup>۲</sup> (۱۵۵۲-۱۵۹۹ م) وجود دارد، یک بند ترجیع مشهور است:

The woods shall to me answer, and me echgo ring.

(درختان باید به آواز من و طنین آوازم پاسخ دهند)

که تغییرات پیاپی آن بیانگر صداهای متغیر در ساعات متوالی روز ازدواج شاعر است» (ایبیرمز و گالت هرفم، ۱۳۹۴: ۳۷۴). ذکر این نکته نیز لازم است که اگر «این بیت ترجیع بعد از هر پاره شعر یا خانه بدون هیچ تغییری تکرار شود، قالب خاصی ایجاد می‌شود که به آن، ترجیع بند و در ادب انگلیسی return-tie گویند» (داد، ۱۳۹۲: ۷۶). با توجه به آنچه در این جستار به آن پرداخته شد، صنعت تکرار بر موسیقی شعر تأثیری شگرف دارد. با وجود این، شفیع کدکنی (۱۳۵۳: ۷۱ و ۷۷) تکرار و فروعات آن را «از کارهای فکاهی و خنده‌آور و حاصل ایام بیکاری شعر» و نیز «از تفتن‌های قدما» قلمداد کرده است.

## نتیجه‌گیری

بلاغت تطبیقی از جمله مهم‌ترین موضوعات پژوهشی در مطالعات تطبیقی و مباحث زیباشناسانه جهانی به شمار می‌رود. با توجه به این نکته که بلاغت به زبان و قوم خاصی وابسته نبوده و نیست، صنعت تکرار بلاغی در این دو زبان قابلیت تطبیق و مقایسه با یکدیگر را دارد. در این جستار، به طبقه‌بندی و رده‌شناسی «تکرار بلاغی» و انواع آن در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی با رویکرد تطبیقی پرداخته شده است. به این منظور، ابتدا مفهوم اصطلاحی طبقه‌بندی و تکرار بلاغی در منابع فارسی و انگلیسی ارائه شده و پس از آن مصادیق تکرار به صورت مقایسه‌ای در این دو زبان

1. Epithalamion  
2. Edmund Spenser

مورد بررسی و طبقه‌بندی قرار گرفته است. در این طبقه‌بندی، تکرار را بر مبنای تکرار واک به تکرار صامت، تکرار مصوّت، جناس آوایی (واج‌آرایی) و هم‌آوایی، براساس مکان واژه تکرار شده (تکرار واژه) آن را به رد الصدّر الی العجز، ردّ العجز الی الصدر، ردّ الصدره، اعنات، ردّ القافیه و تکرار تأکیدی و سرانجام براساس تکرار عبارت یا جمله آن را به برگردان (واگردان - بند ترجیع) تقسیم کرده‌ایم و نمونه‌هایی نیز از متون فارسی و انگلیسی برای درک بهتر خواننده ذکر شده است. نتایج و دستاوردهای این پژوهش عبارت‌اند از:

**۱. وجوه تشابه:** تکرار در بلاغت فارسی و بلاغت انگلیسی در تعریف، مشابه یکدیگرند. هر دو به صورت آمدن الفاظ متکرّر در پی یکدیگر تعریف می‌شوند و برخی از مصادیق تکرار در این دو زبان را حتّی با وجود نام‌گذاری‌های متفاوت می‌توان معادل یکدیگر قرار داد. از سویی دیگر، گونه‌هایی از تکرار در این دو زبان سبب ایجاد قالب‌های شعری می‌شود.

**۲. وجوه تمایز:** تکرار در بلاغت فارسی از جمله صناعات علم بدیع است و در قلمرو بدیع لفظی یا آرایه‌های برونی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به‌عنوان علمی خاص شناخته می‌شود، حال آنکه مبحث تکرار در بلاغت انگلیسی ذیل اصطلاح کلیّ آرایه‌های سخن یا Figure of speech قرار می‌گیرد که به‌عنوان علمی خاصی مطرح نیست و حتّی اصطلاح مذکور برخی از صناعات مطرح در علم معانی و بیان بلاغت فارسی را نیز دربر می‌گیرد. تکرار بلاغی در زبان فارسی به شدّت تحت تأثیر بلاغت عربی است تا آنجا که برخی از اصطلاحات آن از جمله ردّ العجز الی الصدر و ردّ الصدر الی العجز کاملاً برگرفته از صنعت تکرار در بلاغت عربی است. در مقابل، تأثیر بلاغت ارسطویی یا یونانی در زبان انگلیسی مشهودتر است. در منابع انگلیسی نمونه‌ای از تکرار با عنوان Anaphora یا تکرار الصدره یافت شد که در بلاغت فارسی هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. از سوی دیگر، صنعت تکرار در بلاغت فارسی

با نظم و ترتیب بیشتری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است، در حالی که آشگفتی در نظم و ترتیب این صنعت بلاغی در زبان انگلیسی واضح و مشهود می‌باشد.

## منابع

- ایرمز، ام اچ و جفری گالت هرفم (۱۳۹۴)، **فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی**، ترجمه سعید سبزیان، چ ۹، تهران: رهنما.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۵)، **دیوان حافظ**، تصحیح بهاء‌الدین خرمشاهی، چ ۵، تهران: دوستان.
- خرمی، مهدی (۱۳۹۳)، **بلاغت تکرار در قرآن و شعر قدیم عربی (جاهلی)**، فصلنامه جستارهای ادبی، دوره ۵، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)، صص ۹۱-۱۱۰.
- داد، سیما (۱۳۹۲)، **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، چ ۶، تهران: مروارید.
- رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس (۱۳۷۳)، **المعجم فی معاییر اشعار العجم**، به کوشش سیروس شمیسا، چ ۱، تهران: فردوس.
- راستگو، محمد (۱۳۸۲)، **هنر سخن‌آرایی (فن بدیع)**، چ ۱، تهران: سمت.
- رزاقی شانی، علی و دیگران (۱۳۹۸)، **شگردهای بدیع لفظی در داستان‌نامه بهمیناری و ضرب‌المثل‌های مازندرانی**، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۱۰، شماره ۱۹، صص ۱۶۱-۱۸۶.
- رضایی، رضا (۱۳۹۴)، **بلاغت اسلوب تکرار در مضامین طنز محمدمهدی جواهری و تحلیل معانی ثانویه**، مجله زبان و ادبیات عربی (مجله ادبیات و علوم انسانی)، شماره ۱۲، صص ۱۰۱-۱۲۶.
- ریپکا، یان و دیگران (۱۳۸۲)، **تاریخ ادبیات در ایران**، چ ۱، ترجمه ابوالقاسم سرّی، تهران: سخن.
- ژاکوب، آندر (۱۹۹۰)، **دایره‌المعارف فلسفی؛ قسمت مفاهیم**، ترجمه محمد نوالی، چ ۱، پاریس: دانشگاه فرانسه.
- سبزیپور، جهان‌دوست (۱۳۸۸)، **تکرار بلاغی، اهمیت و لزوم بازنگری آن**، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۲، شماره ۲۱۱، صص ۸۱-۱۰۳.

طبقه‌بندی و رده‌شناسی «تکرار بلاغی» و انواع آن در بلاغت زبان‌های فارسی و انگلیسی... ۲۹

- سپه‌وند، عزت‌الله (۱۳۹۱)، **بلاغت تطبیقی (در حوزه فارسی و انگلیسی)**، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۷۷)، **دیوان غزلیات استاد سخن سعدی شیرازی با معنی واژه‌ها و شرح ابیات و ذکر وزن**، به کوشش خطیب رهبر، ج ۱۰، تهران: مهتاب.

- شاهین، شهناز (۱۳۸۴)، **جایگاه تکرار و لزوم بازنویسی**، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۴۶، شماره ۱۸۹، صص ۱۳۳-۱۴۶.

- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۳)، **مقدمه‌ای کوتاه بر مباحث طویل بلاغت**، مجله خرد و کوشش، شماره ۱۵، صص ۴۷-۷۸.

- شمیسا، سیروس (۱۳۹۵)، **نگاهی تازه به بدیع**، ج ۶، تهران: میترا.

- صابری، علی (۱۳۹۱)، **صنعت تکرار، انواع و کاربردهای آن در بدیع**، مجله مطالعات نقد ادبی، شماره ۲۷، صص ۳۷-۴۹.

- صادقیان، محمد (۱۳۸۸)، **زیور سخن در بدیع فارسی**، ج ۲، یزد: دانشگاه یزد.

- علوی مقدم، محمد (۱۳۶۳)، **سربلاغی تکرار در قرآن**، مجله مشکوه، شماره ۴، صص ۳۳-۷۷.

- فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۳)، **درباره نقد ادبی**، ج ۱، ج ۲، تهران: امیرکبیر.

- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۹۶)، **زیباشناسی سخن پارسی (بدیع)**، ج ۹، تهران: مرکز.

- مظاهری تهرانی، ناصر و محمدهادی فقیهی (۱۳۴۸)، **دانستنی‌های کتابداری**، تهران: بی‌نا.

- منوچهری دامغانی (۱۳۷۵)، **دیوان منوچهری دامغانی**، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، ج ۲، تهران: زوآر.

- میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت (۱۳۸۵)، **واژه‌نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن**، ج ۳، تهران: کتاب مهناز.

- واعظ، بتول و رقیه کاردل ایلواری (۱۳۹۰)، **بررسی تأثیر تکرار در فصاحت بوستان**، مجله مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۲، شماره ۴، صص ۱۳۷-۱۵۶.

- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۹)، **بدیع از دیدگاه زیباشناسی**، ج ۱، تهران: دوستان.

- همایی، جلال‌الدین (۱۳۹۴)، **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، ج ۳۲، تهران: سخن

- یعقوب‌نژاد، محمدهادی (۱۳۸۶)، **طبقه‌بندی علوم و چالش‌های فرارو**، فصلنامه فلسفه و الاهیات، دوره ۱۶، شماره ۹۴، صص ۱۳۵-۱۵۲.

- Baldick, C. (2001), **The concise Oxford Dictionary of Literary terms**, 2<sup>nd</sup> Ed., New York: Oxford University Press.

- Cuddon, J. A. (2013), **A Dictionary Literary terms and Literary theory**, 5<sup>th</sup> Ed., New York: Penguin Books.
- Preminger, A. (Editor) (1975), **Princeton Encyclopedia of Poetry and Poetics (Enlarged Ed.)**, New Jersey: Princeton University Press.
- Quinn, E. (2006), **A Dictionary of literary and thematic terms**, 2<sup>nd</sup> Ed., New York: Checkmark Books.